

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۱-۹۰

دیوان ابوالرضا راوندی: تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری

محمود صادقی علوی^۱

چکیده

متون ادبی از جمله دیوان اشعار در زمره منابع پژوهش‌های تاریخی است. اگرچه موضوع دیوان اشعار ارتباط مستقیمی با مباحث تاریخی ندارد و گاهی برخی تاریخ‌پژوهان تنها از اشارات شاعران، برداشت‌های تاریخی می‌کنند، با این همه برخی از دیوان‌های شعری جنبه‌های گوناگون تاریخی را نیز موردتوجه قرار داده‌اند. دیوان ابوالرضا راوندی از جمله این دیوان‌ها است که اشارات تاریخی فراوانی دارد و در روزگار غلبه سلجوقیان سنی مذهب، توسط یک عالم شیعی به نگارش درآمده است. این پژوهش بر آن است تا با واکاوی قسمت‌های مختلف این دیوان و کشف و استخراج اشارات تاریخی شاعر در زمینه‌های گوناگون، اهمیت تاریخی این اثر را به‌عنوان یک متن تاریخی مغفول مانده از دوره سلاجقه بررسی کند. نتایج حاصل از این پژوهش بیان‌کننده اهمیت دیوان ابوالرضا راوندی در زمینه تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر کاشان در دوره سلاجقه و معرفی این دیوان به‌عنوان تاریخ محلی کاشان در این دوره است.

کلیدواژه‌ها: ابوالرضا راوندی، تاریخ محلی، دیوان ابوالرضا راوندی، راوند، سلاجقه، شعر شیعی، کاشان.

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور. alavi0361@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۲۹

درآمد

کاشان از شهرهای باسابقه در تاریخ تشیع است که پیشینه تشیع آن به قرون نخستین هجری برمی‌گردد (رک. یاقوت حموی، ۲۹۶/۴؛ شوشتری، ۸۷/۱-۸۶؛ قمی، تاریخ قم، ۲۱۶، ۳۲۱، ۵۹۶؛ جعفریان، ۲۱۰). پیشینه تشیع در این شهر باعث شده بود تا همواره در دوره‌های مختلف تاریخی عالمان بزرگی در این شهر برخاسته و به تدوین و ترویج فرهنگ شیعی بپردازند (رک. نجاشی، ۴۷/۲؛ صادقی، ۱۳۵-۱۲۷).

دوره حکومت سلاجقه در ایران یکی از دوره‌های مهم تاریخ شهر کاشان است. سلاجقه سنی مذهب طبیعتاً به مناطق شیعه‌نشین نظر مثبتی نداشتند. بنابراین طبیعی بود که حوادث این منطقه نیز در آثار تاریخی این دوره که عمدتاً توسط مورخین سنی مذهب و نزدیک به دربار به نگارش درآمده بود، بازتاب دقیقی نداشته باشد یا اینکه مورخین این دوره به شهر کاشان و حوادث آن اشاره نداشته باشند. مؤید این مطالب کتاب *راحه الصدور و آیه السرور* از محمد بن علی بن سلیمان راوندی، از معاصران و هم محلی‌های ابوالرضا راوندی است اما در جای‌جای کتابش طعن و مخالفت با شیعه آشکار است. این مورخ سنی مذهب اگرچه از مردم کاشان بوده و حتی هم عصر او علمای شیعه مشهوری از خاندان راوندی در کاشان می‌زیسته‌اند، در کتابش گرایش‌های مذهبی خود را به شدت نشان داده است. محدث ارموی در مقدمه دیوان ابوالرضا راوندی به این مهم اشاره کرده و می‌نویسد کاشان یکی از مراکز مهم شیعی در دوران حیات راوندی است و نویسندگانی چون راوندی صاحب *راحه الصدور*، شیعیان این شهر را طعن و لعن کرده‌اند و اگر شخصیتی چون ابوالرضا راوندی شرحی از تاریخ تشیع در این دوره ارائه نداده بود، تنها گزارش به جامانده از شیعیان در این دوره، گزارش‌های *راحه الصدور* بود (راوندی، دیوان، مقدمه/له).

چنین نمونه‌هایی اهمیت یک تاریخ محلی در مورد یک شهر شیعه‌نشین در دوران حکومت سنی مذهب سلاجقه را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. اهمیت تاریخی این اثر وقتی بیشتر مشخص می‌شود که ابوالرضا راوندی در دیوان خود جنبه‌های مختلفی از تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی وضعیت عمرانی شهر کاشان قرن ششم را موردتوجه قرار داده و در برخی موارد به تفصیل به بیان آنها پرداخته است. ذکر نام و

شرح فعالیت‌های برخی رجال مذهبی و سیاسی و بیان اسامی برخی مناطق اطراف شهر کاشان و حوادث مرتبط با آن در قرن ششم، که در هیچ منبع تاریخی دیگری یافت نمی‌شود بر اهمیت تاریخی این اثر به‌ویژه درباره تاریخ شهر کاشان می‌افزاید. از آنجا که بر اساس تعریف تاریخ محلی، متون تاریخ‌نگاری محلی به‌رغم تمرکز جغرافیایی محدودش، طیف گسترده‌ای از داده‌ها شامل تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه و فرهنگ آن را پوشش می‌دهد و این نوع تاریخ‌نگاری در واقع سرگذشت مردم است (رک. زینلی، ۷)؛ از این رو می‌توان دیوان ابوالرضا راوندی را نوعی تاریخ‌نگاری محلی کاشان در قرن ششم دانست. آنچه بر اهمیت تاریخی این دیوان می‌افزاید این است که تا دوران ابوالرضا و حتی چندین قرن بعد از آن درباره شهر کاشان، تاریخ محلی وجود ندارد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا می‌توان از دیوان ابوالرضا راوندی به‌عنوان تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه استفاده کرد و آیا داده‌های تاریخی این دیوان به لحاظ گستردگی و اهمیت تاریخی به اندازه‌ای است که بتوان این دیوان را به‌عنوان تاریخ محلی کاشان در این دوره مورد استفاده و استناد قرار داد؟ این نوشتار بر این فرضیه استوار است که با توجه به اشارات مهم و گسترده تاریخی ابوالرضا در دیوان اشعارش، اگرچه شاعر با هدف تاریخ‌نگاری این دیوان را ننوشته است، می‌توان این دیوان را به‌عنوان تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه مورد استفاده قرار داد. در این پژوهش با بررسی تحلیلی و تاریخی اشعار دیوان ابوالرضا راوندی، جهات مختلف اهمیت تاریخی این کتاب درباره تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه مورد بررسی قرار گرفته است و با تحلیل داده‌های شعری این دیوان، اهمیت آن به‌عنوان یک تاریخ محلی برای شهر کاشان در دوره سلاجقه مطرح شده است.

پیشینه پژوهش

درباره دیوان ابوالرضا راوندی به‌عنوان تاریخ محلی کاشان تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌هایی درباره آثار وی انجام شده است. مقاله «نقش ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه» از محسن قاسم پور راوندی (۱۳۹۸ش)، کتاب *لمعه النور و الضیاء فی ترجمه سید ابی‌الرضا* از سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (بی‌تا)، مقاله «درنگی در ضوء الشهاب و دست‌نوشته‌های آن» از حسین شاه نظری

(۱۳۹۱ش)، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی» از مرتضی کریمی نیا (۱۳۹۹ش)، «اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی» از علیرضا صحیحی (۱۳۹۲ش)، مقاله «معمای قریه هراسکان و ملاحظات دربارۀ چند نام جغرافیایی در قصیده نونیه راوندی» از محمد مشهدی نوش‌آبادی (۱۳۸۵ش)، کتاب *درآمدی بر شناخت نسخه‌های نهج‌البلاغه* از محمدکاظم رحمتی (۱۳۹۷ش) و کتاب *دیوان ابوالرضا راوندی تصحیح سید جلال‌الدین ارموی* نمونه‌آثاری است که در آن به ابوالرضا راوندی و فعالیت‌های علمی او اشاره شده است. در هیچ‌یک از این آثار دیوان ابوالرضا به‌عنوان یک تاریخ محلی کاشان در قرن ششم موردتوجه قرار نگرفته است.

ابوالرضا راوندی

ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی در حدود سال ۴۸۳ در راوند^۱ کاشان متولد شد (مرعشی نجفی، ۴۵؛ قاسم پور، ۵۶). راوندی عالم و ادیب بزرگ سده ششم هجری است. از زندگی و فعالیت‌های او پیش از شهرتش اطلاعات چندانی در دست نیست. ابوالرضا راوندی برای کسب علم به حجاز، عراق و مناطق مختلف ایران سفر کرده است (رک. راوندی، *النوادر*، ۳۸؛ مرعشی نجفی، ۴۷). بسیاری از علمای شیعه و سنی از شخصیت علمی و فضل وی یاد کرده و او را ستوده‌اند (رک. راوندی، *النوادر*، ۴۲؛ مرعشی نجفی، ۳۴-۲۹؛ شاه نظری، ۶۳). منتجب‌الدین رازی (متوفای ۵۸۵) صاحب کتاب *فهرست ذیل نام راوندی* از او با عنوان علامه زمان خود و از دانشمندان معاصر خود یاد کرده و برخی از آثار او را نام می‌برد (رازی، ۹۶). عمادالدین کاتب اصفهانی (متوفای ۵۹۷) نیز در کتاب خود از او به بزرگی یاد کرده می‌نویسد ابوالرضا راوندی در مدرسه مجدیة کاشان مشغول تدریس بوده است (کاتب اصفهانی، *خریده القصر و جریده العصر*، ۶۸/۹-۶۷). سمعانی (متوفای ۵۶۳) هم که از معاصرین راوندی است در سفری که به شهر کاشان داشته با او دیدار کرده و احادیثی

۱. راوند شهرکی نزدیک کاشان و اصفهان است. منسوبان به این منطقه را راوندی می‌گویند (یاقوت حموی، ۸۳؛ اعتمادالسلطنه، ۴/۲۱۰۹). درباره وجه تسمیه این شهر اقوال مختلفی ذکر شده که به نظر می‌رسد اصل نام این شهر ناوند به معنای جای دارای آب است (مهریار، ۴۱۷).

را از وی شنیده است. سمعانی در گزارش ملاقات خود با ابوالرضا راوندی بیان می‌کند که بالای درب خانه ابوالرضا راوندی آیه تطهیر نوشته شده بود (سمعانی، ۱۰/ ۲۹۸-۲۹۷). اشاره علمای بزرگ معاصر راوندی به بیان شخصیت علمی وی، نشان‌دهنده شخصیت برجسته علمی او و همچنین شهرت فراوانش در میان معاصرین است. تدریس ابوالرضا در این دوره در مدرسه مجدیه و جاهای دیگر سبب شده بود تا شاگردان بسیاری تربیت کند. برخی از شاگردانش از علمای بزرگ زمان خود بودند. تألیفات فراوانی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و ادبیات به ابوالرضا منسوب است (رک. راوندی، ضوء الشهاب، مقدمه، ح- ز؛ مرعشی نجفی، ۳۷-۳۵).

در تاریخ وفات ابوالرضا، اقوال گوناگونی ذکر شده است. از سال ۵۶۳ تا ۵۷۴ را برای سال وفات او ذکر کرده‌اند. پس از وفات این عالم بزرگ شیعه او را در قبرستان محله پنجه شاه کاشان و نزدیک مسجد جامع قدیم شهر دفن کردند (رک. مرعشی نجفی، ۴؛ مهریزی، ۵۵-۵۴).

دیوان ابوالرضا راوندی

دیوان ابوالرضا راوندی دربرگیرنده ۱۹۱۵ بیت شعر به زبان عربی است که ۵۵ بیت آن اشعاری است که از دیگران نقل شده و مابقی اشعار خود اوست (راوندی، دیوان، ۲۶۸؛ قاسم پور، ۱۵۱). این دیوان با تصحیح و تحقیق ارزشمند جلال‌الدین ارموی در سال ۱۳۳۴ چاپ شده است. دیوان ابوالرضا راوندی موضوعات مختلف را در خود جای داده است. قسمت زیادی از اشعار او درباره مدح افراد مختلف است. از این‌رو او را شاعری مدیحه‌سرا خوانده‌اند (قاسم پور، ۱۵۰-۱۵۱). ابوالرضا در کنار مدح پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در اشعار خود، مدح برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی زمان خود را نیز گفته است. در خلال مدح این افراد شرح فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنها را نیز مورد توجه قرار داده که این مسئله بر غنای تاریخی این کتاب می‌افزاید. موضوع دیگری که در اشعار راوندی مورد توجه قرار گرفته شرح حمله سلاجقه به کاشان است که ضمن بیان تاریخ سیاسی، به بسیاری از روستاها و مناطق اطراف کاشان اشاره شده و اسامی بسیاری از این مناطق در اشعار ذکر شده به‌نوعی جغرافیای تاریخی کاشان در این دوره نیز محسوب می‌شود.

حمله سلاجقه به کاشان

یکی از مهم‌ترین جهات اهمیت تاریخی دیوان ابوالرضا، توجه به تاریخ سیاسی شهر کاشان به‌عنوان یک شهر شیعه، در زمان حکومت سنی مذهب سلاجقه است. ابوالرضا در اشعار خود در مواضع و مناسبت‌های مختلف به بیان تاریخ سیاسی این دوره پرداخته است. شرح حمله سلاجقه به شهر کاشان و مدح و ذکر اقدامات برخی رجال سیاسی این دوره از مهم‌ترین قسمت‌های تاریخی دیوان ابوالرضا محسوب می‌شود.

ابوالرضا در قصیده‌ای مشتمل بر ۱۰۵ بیت، هجوم سلاجقه به شهر کاشان را به تفصیل بیان کرده است. او در عنوان قصیده به این نکته تصریح دارد که هجوم سلاجقه به شهر کاشان در ماه ربیع‌الثانی سال ۵۳۲ اتفاق افتاده است (راوندی، دیوان، ۷۴). راوندی در ابتدای این قصیده و احتمالاً متأثر از شرایط آن دوره و خرابی‌هایی که سلاجقه ایجاد کرده‌اند، از روزگار و بلاهایی که بر سر برخی حکومت‌ها پیش آمده گلایه و شکایت می‌کند. در این قسمت شاعر ضمن ابیاتی به سرگذشت حکومت‌هایی همچون عمالقه، آل غسان و ساسانیان اشاره دارد (راوندی، دیوان، ۷۶-۷۴) که البته این قسمت‌ها ارزش تاریخی چندانی ندارد، چراکه ابوالرضا مورخ نیست و چنانکه از ابیات او برمی‌آید هدف او از اشاره به این موضوعات بیان تاریخ نیست و احتمالاً شاعر با اشاره به چنین حوادثی به نحوی به خرابی‌هایی که در حکومت‌های دیگر اتفاق افتاده، اشاره دارد تا در ادامه به خرابی‌هایی که در دوره سلاجقه در کاشان اتفاق افتاده، بپردازد. ارزش تاریخی این قسمت از کتاب درباره حمله سلاجقه به کاشان بیشتر از این جهت است که شاعر حوادثی که به چشم خود دیده را به زبان شعر بیان می‌کند. جایگاه اجتماعی و فرهنگی ابوالرضا در این دوره باعث شد تا در جریان تمام جزئیات حمله سلاجقه به کاشان باشد و آن را در دیوان خود منعکس کند. آنچه بر ارزش تاریخی این قسمت از دیوان شعر ابوالرضا راوندی می‌افزاید این است که هیچ منبع تاریخی دیگری شرح این حوادث را با این تفصیل ذکر نکرده است. از این جهت می‌توان گفت این دیوان شعر تنها منبع تاریخی مربوط به حوادث این دوره است. راوندی حمله سلاجقه به کاشان را با این ابیات آغاز می‌کند:

خیل کسپیل تحت لیل مظلم متفاوت الרכبان و الفرسان

من مهنا و هنا و ثم كانها

حزق الجراد ترای علی الجبآن

(راوندی، دیوان، ۷۷)

تشبیه‌های راوندی در این ابیات از سپاه سلاجقه به سیل در شب تاریک و دسته‌های ملخ نشان‌دهنده تعداد فراوان سپاهیان سلاجقه و حجم خرابی‌هایی است که آنها در کاشان داشته‌اند. راوندی پس از بیان توضیحات کلی درباره سپاه سلجوقیان، در ادامه خط سیر هجوم آنها به منطقه کاشان را بیان کرده و روستاها و مناطقی که این سپاه به آنجا حمله کرده و شرح خرابی‌های آنان را به زبان شعر بیان می‌کند.

| | |
|---------------------------|--------------------------|
| طرق الی طرق طوارقه فلم | یرع الذمام لباذو الرکان |
| و علی نطنز تلاحقت شذانهم | لادردر اولئک الشذان |
| و تعاوروها بالخراب فاصبحت | شوهاء بعدالحسن و العمران |

(راوندی، دیوان، ۷۸)

بر این اساس سلاجقه حمله خود به کاشان را از طرف نطنز شروع می‌کنند. سپاه سلاجقه ابتدا به روستای طرق (رک. قزوینی، آثارالبلاد و اخبار العباد، ۴۰۸) و سپس نطنز (اعتمادالسلطنه، ۲۱۱۰/۴) حمله می‌کنند و چون این مناطق استحکامات دفاعی چندانی نداشتند به راحتی آنجا را فتح و به شدت ویران می‌کنند. در ادامه شاعر شرح حمله سلاجقه به حدود چهل روستا در اطراف کاشان را بیان می‌کند. اسامی بسیاری از این مناطق و روستاها که بیشتر آنها امروزه نیز به همان نام باقی مانده‌اند، برای اولین بار در دیوان ابوالرضا راوندی ذکر شده و به تاریخ آن اشاره شده است. از این رو در زمینه جغرافیای کاشان در دوره سلاجقه مطالبی که در این دیوان ذکر شده دارای اهمیت فراوانی است. نکته دارای اهمیت در این قسمت آن است که علاوه بر روستاهای بزرگ، راوندی اسامی بسیار از روستاهای کوچک اطراف کاشان را که مورد حمله سلاجقه قرار گرفته، ذکر کرده است (رک. راوندی، دیوان، ۸۰-۷۷). این رویکرد نشان‌دهنده توجه نویسنده به جزئیات است و بر غنای تاریخی این اثر می‌افزاید. این ویژگی نیز از خصوصیات تواریخ محلی است که به سبب منحصر بودن اطلاعات آن به یک منطقه جغرافیایی خاص در قیاس با تاریخ‌های عمومی حاوی آگاهی‌های دقیق و گاه تفصیلی از یک شهر و دیار خاص است (رک. زینلی، ۱۷). از قسمت‌های مهم تاریخی این قصیده اشاراتی است که نویسنده به هجوم سلاجقه

به مشهد اردهال و آرامگاه امامزاده علی بن باقر علیه السلام دارد. این آرامگاه از مشهورترین امامزاده‌های اطراف کاشان و بسیار مورد توجه مردم منطقه بوده است. درباره این امامزاده، فعالیت‌ها و تاریخچه ساخت آن گزارش‌هایی در پژوهش‌های تاریخی ذکر شده است (رک. صادقی، ۸۷-۸۲؛ قرچانلو، ۸۲-۷۵). توضیحات راوندی در این قصیده در مورد این امامزاده و اشاره به تجدید بنای ساختمان آن توسط مجدالدین راوندی در این دوره، قدیم‌ترین گزارش تاریخی موجود درباره این امامزاده است. بر اساس گزارش راوندی در این قصیده سلاجقه در اطراف کاشان از تخریب مساجد و منابر فروگذار نکرده در برخی مناطق آنها را به آتش کشیدند:

و کذا المنابر حرقوها عنوه لا یرقبون لجانب الرحمان

(راوندی، دیوان، ۸۳)

اما در مشهد اردهال وقتی بقعه امامزاده را مشاهده کردند جرئت تخریب و حمله به آن را نداشته و از غارت آنجا منصرف شدند. شاید علت این امر را بتوان اظهار ارادت اهل سنت به اهل بیت علیهم السلام دانست. بسیاری از اهل سنت اگرچه ائمه شیعه علیهم السلام را به‌عنوان امام نمی‌پذیرند اما به‌عنوان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علمای بزرگ دینی برای آنها احترام و جایگاه خاصی قائل هستند. سلاجقه نیز اگرچه به‌طور رسمی از مذاهب اهل سنت حمایت می‌کنند اما شیعیان نیز در حکومت آنها جایگاهی دارند.

استشعروا منه ففوض جمعهم عن عرصیه هیبه الدیان
فانفل عزمهم و لم یتجاسروا ان یقدموا فیه علی طغیان

(راوندی، دیوان، ۸۳)

این گزارش از قرن ششم درباره جایگاه این امامزاده مؤید این نکته است که اگرچه مستند تاریخی در مورد این امامزاده پیش از این متن موجود نیست (رک. صادقی، ۸۷-۸۲) اما جایگاه آن در قرن ششم هجری نشان دهنده سابقه و پیشینه وجود این امامزاده در قرون پیشین است.

در این قصیده حمله به منازل سادات در منطقه راوند هم مورد توجه شاعر بوده است. این امر از طرفی نشان دهنده پیشینه تشیع در شهر کاشان و بیان‌کننده جایگاه سادات در این منطقه است و از طرف دیگر مؤید تعصبات مذهبی سلاجقه در حمله به مناطق

شیعه‌نشین و رحم نکردن آنها به سادات مورد احترام مردم منطقه است. به نظر می‌رسد از آنجا که راوند محل تولد ابوالرضا بوده، توجه او به حوادث این منطقه از کاشان بیش از دیگر مناطق بوده است لذا در بیان حوادث این منطقه با تفصیل و توجه بیشتر به شرح حوادث و اتفاقات این منطقه پرداخته است:

و دیار ساداتها الاجله هدموا فدیارهم و عراضهم سیان
ماذا تری لهم یقول محمد و وصیه و البنت و السبطان

(راوندی، دیوان، ۸۴)

شاید دقت در مصراع اخیر در برخی افراد این شائبه را ایجاد کند که عدم اشاره ابوالرضا به دیگر ائمه علیهم‌السلام به نوعی نشان‌دهنده گرایش شیعه زیدی باشد اما از آنجاکه شیعه پژوهان درباره تاریخ تشیع در کاشان همواره به امامی مذهب بودن آنها اشاره کرده‌اند (رک. قزوینی، تقض، ۱۹۸، ۲۲۱؛ فرشچیان، ۵۴) و از طرف دیگر از میان معصومین، پنج‌تن جایگاه ویژه‌ای بین شیعیان دارند، می‌توان تأکید ابوالرضا در مصراع فوق به این افراد را به نحوی ناشی از این اعتقاد دانست.

در ابیات پایانی قصیده، محاصره شهر کاشان توسط سلاجقه و تلاش آنها برای نفوذ به داخل شهر و غارت آن، بیان می‌شود که به دلیل دیوارهای مستحکم شهر که توسط مجدالدین ساخته شده بود سلاجقه قادر به فتح شهر کاشان نشدند:

و تامروا لیلا فشدوا عزمه نفضت ولیتها علی قاسان
طافوا بها یتخافون بسورها مترصدین لفرصه الامکان

(راوندی، دیوان، ۸۵)

بر اساس گزارش ابوالرضا راوندی سرانجام مجدالدین راوندی با پرداخت هفت هزار دینار از مال خود به سلاجقه، آنها را از تصرف شهر کاشان منصرف کرد:

و بسبعة الاف منها فکهم و اعاذهم من ذلة و هوان
حتی ترضاهم بماقترحوا و لم یکفیه بالوانی و لا المتوانی

(راوندی، دیوان، ۸۷)

آنچه از گزارش ابوالرضا در مورد سیر جغرافیایی حمله سلاجقه به کاشان برداشت می‌شود این است که آنها حمله به منطقه کاشان را از طرف نطنز آغاز کرده و سپس با دور

زدن شهر کاشان به همه آبادی‌های اطراف کاشان تا مشهد اردهال حمله کرده و در نهایت شهر کاشان را محاصره کرده و موفق به فتح این شهر نشده‌اند. در بررسی تاریخی این ابیات باید دقت داشته باشیم که ابوالرضا مورخ نبوده و هدف او از این ابیات نیز بیان تاریخ نبوده‌است. چه‌بسا که به جهت محدودیت‌های شعری و تناسب قافیه‌ها، به‌صورت منظم و دقیق حمله سلاجقه به روستاهای مختلف را بیان نکرده باشد. اما از آنجاکه هیچ منبع تاریخی دیگری این حمله را با این تفصیل موردتوجه قرار نداده است، گزارش ابوالرضا دارای ارزش تاریخی فراوانی در حوزه تاریخ محلی کاشان است.

وضع اجتماعی و عمرانی شهر کاشان

فعالیت‌های اجتماعی و عمرانی کاشان در این دوره، از دیگر موضوعاتی است که در دیوان ابوالرضا موردتوجه قرار گرفته است. این موضوعات بیشتر در زمره تاریخ اجتماعی است و معمولاً از دید مورخان پنهان بوده‌است. اغلب مورخان تنها به موضوعات تاریخ سیاسی پرداخته‌اند و کمتر متن تاریخی را می‌توان یافت که چنین موضوعاتی را آن‌هم در زمان حکومتی سنی مذهب و در شهری شیعه مذهب مورد توجه قرار داده باشد (رک. زینلی، ۱۸). دیوان راوندی در این زمینه دارای اطلاعات گران‌بهایی است که تا حد زیادی تاریخ کاشان در قرن ششم را روشن می‌کند. از این جهت دیوان ابوالرضا در حوزه پژوهش‌های مرتبط با تاریخ مردم کاشان در قرن ششم نیز منبع مهمی برای پژوهشگران خواهد بود.

از دیگر ویژگی‌های دیوان ابوالرضا راوندی این است که ضمن مدح شخصیت‌های مختلف به فعالیت و اقدامات آنها نیز اشاره کرده و شرحی از آن اقدامات و تأثیر آنها در وضع مردم منطقه را بیان کرده است. از شخصیت‌هایی که بسیار مورد توجه راوندی بوده و اشعار زیادی در مورد مدح او در دیوان ابوالرضا آمده، مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود (متوفای ۵۳۵) است. چنانکه از دیوان ابوالرضا برمی‌آید و در ادامه ذکر خواهد شد، مجدالدین از رجال بزرگ زمان خود بوده که علاوه بر جایگاه مذهبی و دینی، شخصی ثروتمند بوده و این ثروت خود را برای خدمت به مردم به کار گرفته است.

| | |
|-------------------------|-------------------------------|
| مساجده داراته و قنیه | مدارسه خاناته و القناطر |
| قناطر لم یعقدن الا بهمة | اذا اعترمت لم تاب نثر القناطر |

و مشهد صدق اودع الله بطنه
ابا الحسن ابن الباقر السيد الذی
ودیعة سرّ من الکرام اخایر
غدا لعلوم الدین ابقر باقر

(راوندی، دیوان، ۵۳-۵۲)

راوندی در این ابیات و نمونه‌های فراوان دیگر، برخی اقدامات عام المنفعه مجدالدین را بیان کرده است. ساختن بناهای خیریه مانند مسجد، مدرسه، بیمارستان، کانال آب و احداث قنات‌ها از اموری است که راوندی در اشعار خود به آن اشاره کرده است. ساختن بارگاه برای امامزاده علی بن باقر علیه السلام که پیش‌تر نیز راوندی در ضمن حوادث حمله سلاجقه به کاشان ذکر کرده بود و در قصیده فوق هم به آن اشاره شده از جمله اقدامات مجدالدین در شهر کاشان است. بر اساس گزارش‌های راوندی در دیوان خود، مجدالدین علاوه بر اقدامات فوق در کارهای خیر مانند وقف، انفاق، خیرات و مبرات، رسیدگی به فقرا، ایتام و بیوه‌زنان و کمک به مردم کاشان در زمان قحطی نیز مشارکت داشته است (رک. راوندی، دیوان، ۵۵-۵۳، ۹۹-۹۴). درجایی دیگر راوندی ضمن اشاره به دستگیری مجدالدین از فقرا بیان می‌کند که برای دو هزار دختر یتیم جهاز تهیه کرده و آنها را شوهر داده است:

اعان به الارامل و الیتامی
و زوجهن بالاکفاء حتی
علی از مات دهر هم الفروس
جلا من ماله الفی عروس

(راوندی، دیوان، ۶۱)

اگرچه ممکن است راوندی به اقتضای شعر اغراق کرده باشد اما همین اغراق نشان دهنده حجم و گستردگی فعالیت‌های اجتماعی مجدالدین راوندی است. از دیگر اقدامات مجدالدین راوندی بر اساس این دیوان، بنای مدرسه مجدیه در کاشان است. از قصیده‌های این دیوان برداشت می‌شود که در این مدرسه در قرن ششم در شهر کاشان، استادان و احتمالاً دانشجویان مقررری دریافت می‌کرده‌اند و این مقررری از محل درآمد اوقاف مدرسه تأمین می‌شده است (رک. راوندی، دیوان، ۱۴۲-۱۴۱، ۱۹۸). چنین گزارش‌هایی نشان دهنده اهمیت جایگاه مسئله آموزش در میان شیعیان در قرن ششم هجری است که با وجود یک حکومت سنی مذهب و سخت‌گیری‌هایی که بر شیعیان در این دوره اعمال می‌شد، همچنان شیعیان بر مسئله آموزش علوم دینی تأکید داشته‌اند.

از این جهت استفاده از منابعی همچون دیوان ابو الرضا راوندی در پژوهش‌های حوزه فرهنگ و تمدن شیعی دارای اهمیت فراوان است.

ابوالرضا راوندی در قصیده‌ای دیگر به‌طور مفصل به اقدامات عمرانی مجدالدین در مشهد اردهال می‌پردازد. او که خود به این منطقه سفر کرده و ارادت خاصی به علی بن باقر علیه السلام دارد، بیان می‌کند مجدالدین راوندی قبه بلندی بر مزار او بنا کرده و دیوار استواری دور آن ساخته است. علاوه بر این برای رفاه حال زائران و مجاوران این بارگاه در آنجا نهری جاری کرده، حمام، منزل گاه و باغ باصفایی نیز ساخته است (راوندی، دیوان، ۱۲۷-۱۲۵).

در قصیده دیگری از دیوان که در مورد خانه ابوالرضا صحبت شده، به وجود میدان، مسجد و همین‌طور نهری بزرگ و درختان تنومند در نزدیکی خانه ابوالرضا که در شهر کاشان قرار داشته، اشاره شده است (راوندی، دیوان، ۱۴۹-۱۴۸). چنین ابیاتی بیانگر وضعیت آبادانی و عمران کاشان در دوره مورد نظر است. اشاره به قحطی و سختی‌های ناشی از آن در این دوره در شهر کاشان و چگونگی کمک برخی از ثروتمندان کاشان به مردم در این قحطی و پشت سر گذاشتن آن نیز از جمله موارد دیگری است که در دیوان ابوالرضا مورد توجه قرار گرفته است (راوندی، دیوان، ۹۹-۹۴). مواردی همچون بیان ویرانی یا آبادانی شهرها، وصف مساجد، مدارس، مقابر و مواردی از این قبیل (رک. زینلی، ۱۹) از مسائلی است که در تواریخ محلی مورد توجه مورخان بوده است، از این جهت اشاره به این موضوعات در دیوان ابوالرضا بر اهمیت این دیوان به‌عنوان تاریخ محلی می‌افزاید.

بزرگان کاشان

معرفی شخصیت‌ها و بزرگانی که در یک منطقه زندگی می‌کرده‌اند یا برای مدتی در آن منطقه بوده‌اند از ویژگی‌های مهم تواریخ محلی است (رک. زینلی، ۱۹) که دیوان ابوالرضا راوندی نیز از این ویژگی برخوردار است. ابوالرضا مدیحه‌سرا است و قسمت زیادی از دیوان ابوالرضا مدحیات است. او ضمن این مدح‌ها، شرح حال شخصیت‌های مختلف را بیان کرده است. برای نمونه به برخی از این شخصیت‌ها اشاره خواهد شد. اگرچه هدف ابوالرضا در مدحیات بیان تاریخ نبوده و مدیحه‌سرایی شیوه‌ای است که

برخی شاعران در شعر سرایی استفاده می‌کنند؛ اما از آنجاکه بیان احوال رجال، اعم از فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امیران، وزیران، بزرگان علم و ادب، دانشمندان، شاعران و ادیبان، اقطاب و مشایخ صوفیه، محدثان، فقیهان، قاضیان و دیگر شخصیت‌ها از ویژگی‌های تواریخ محلی است (رک. زینلی، ۱۹) می‌توان این قسمت از ابیات ابوالرضا را نیز در زمره تاریخ محلی کاشان در قرن ششم دانست.

مجدالدین راوندی از شخصیت‌های بزرگ و مشهور شهر کاشان در این دوره است که پیش‌تر به اقدامات او در این دوره اشاره شد. او از شخصیت‌هایی است که قسمت زیادی از مدحیات دیوان ابوالرضا را به خود اختصاص داده است (رک. راوندی، دیوان، ۶-۸، ۱۳-۱۴، ۱۱-۱۳).

قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی از دیوان‌سالاران و وزیران دربار سلجوقیان است (رک. قمی، تاریخ الوزراء، ۲۷-۱؛ ظهیری نیشابوری، ۵۵) که راوندی در چندین قصیده او را مدح کرده است. راوندی معمولاً در مطلع این قصاید اشاره کرده که در چه تاریخی و چه مکانی مدح این شخصیت را گفته است. اولین قصیده از دیوان ابوالرضا در مدح این شخصیت است. در مطلع این قصیده اشاره شده که این قصیده در سال ۵۲۴ زمانی که درگزینی در دارالوزاره اصفهان حضور داشته، سروده است (راوندی، دیوان، ۴-۱). در قصیده دیگری وقتی در سال ۵۲۷ درگزینی به همراه سلطان به کاشان می‌آید باز مورد مدح ابوالرضا قرار می‌گیرد (راوندی، دیوان، ۴). راوندی همچنین تاریخ وفات درگزینی در ذی‌الحجه سال ۵۲۷ در سابورخواست را ذکر کرده و ضمن قصیده‌ای او را مدح می‌کند (راوندی، دیوان، ۵). دلایل مدح راوندی از درگزینی به درستی مشخص نیست. شاید بتوان گفت درگیری‌های سیاسی که درگزینی با برخی رجال درباری داشته (رک. بنداری، ۱۴۷-۱۴۶ و ۲۰۱؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۹۷؛ قمی، تاریخ الوزراء، ۴۰) یا اظهار تشیع او و کشتن برخی رجال سنی مذهب (رک. بنداری، ۱۷۸) و یا حتی کسب صله، از دلایل مدح این وزیر سلجوقی توسط یک شاعر شیعی مذهب بوده‌است، چرا که گشاده‌دستی و سخاوت او در منابع دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است (رک. قمی، تاریخ الوزراء، ۲۴).

شرف‌الدین ابونصر انوشروان بن خالد، وزیر شیعی سلجوقیان نیز از شخصیت‌های

سیاسی دوران سلاجقه است که ممدوح راوندی بوده است. کاشانی الاصل بودن این وزیر و همین طور شیعه بودن او از دلایلی است که راوندی این شخصیت را مدح کرده است (رک. قمی، *ذیل نغته المصدور*، مقدمه، ۱۳؛ راوندی، *دیوان*، ۲۲۴؛ کاتب اصفهانی، *تاریخ دولت آل سلجوق*، ۲۸۶-۲۸۲). راوندی در این قصیده یکی از رجال سیاسی حکومت سلاجقه و یکی از بزرگان کاشان در قرن ششم را معرفی کرده است. راوندی در مطلع قصیده خود در مورد انوشروان بن خالد از او با عنوان دوست یاد می کند چراکه انوشروان بن خالد، کاشانی و شیعه بوده است.

خلیلی ان لم تسعدا فدعانی فدونکما نادى الهوى فدعانی

(راوندی، *دیوان*، ۱۸-۱۵)

عزیزالدین ابونصر احمد بن حامد بن محمد مستوفی از ادیبان و کارگزاران دولت سلجوقی (رک. ابن اثیر، ۱۰/۸۳؛ حسینی خاتون آبادی، ۲۹۳)، یکی دیگر از ممدوحان راوندی است. راوندی در ابتدای قصیده اشاره می کند که این قصیده را پس از عزل مستوفی سروده است (راوندی، *دیوان*، ۱۷-۲۴).

علاوه بر موارد مذکور شخصیت های دیگری نیز از رجال سیاسی دوره سلاجقه و همین طور افراد برجسته شهر کاشان در این دوره توسط راوندی مدح شده اند (رک. راوندی، *دیوان*، ۲۱-۱۹ و ۴۰-۳۸ و ۵۹-۵۵).

جغرافیای تاریخی کاشان

جغرافیا هم از موضوعاتی است که مورد توجه مورخان محلی قرار گرفته است. *دیوان* ابوالرضا راوندی نیز از این شیوه برخوردار است. بیان اسامی مناطق جغرافیایی، روستاها، شهرها، فاصله آنها از یکدیگر، کوه ها، رودخانه ها، بیابان ها و شرایط آب و هوایی از جمله مواردی است که در متون تواریخ محلی مورد توجه است (رک. زینلی، ۱۹). ابوالرضا راوندی نیز در *دیوان* خود در قصاید مختلف به چنین ویژگی هایی اشاره کرده است. بیان اسامی روستاهای اطراف کاشان در دوره سلاجقه و اشاره به خرابی هایی که سلاجقه در این مناطق ایجاد کردند از جمله ویژگی های مهم جغرافیایی *دیوان* ابوالرضا است. این اهمیت وقتی بیشتر می شود که نام برخی از این مناطق فقط در *دیوان* ابوالرضا راوندی آمده و برخی روستاهایی که در این *دیوان* از آنها یاد شده اکنون

وجود خارجی ندارد. به جرئت می‌توان گفت نام بسیاری از این مناطق تنها در دیوان ابوالرضا به‌عنوان یک متن تاریخی ذکر شده و در هیچ متن تاریخی دیگری حتی به نام این مناطق نیز اشاره‌ای نشده‌است.

مهم‌ترین قصیده‌ای که در آن ابوالرضا راوندی اطلاعات جغرافیایی ارزنده‌ای را درباره کاشان در قرن ششم هجری در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، قصیده‌ای است که شاعر در آن شرح حملات سلاجقه به کاشان را بیان کرده است. در این قصیده شاعر از ۴۰ مزرعه یا روستا یاد می‌کند و ضمن بیان چگونگی حمله سلاجقه، اطلاعاتی درباره اماکن جغرافیایی و همین‌طور کیفیت آبادانی آنها و حجم خرابی که سلاجقه در این مناطق به وجود آوردند در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بیان فاصله بین مزارع و روستاها با یکدیگر و با شهر کاشان از دیگر اطلاعاتی است که از این قصیده به دست می‌آید (راوندی، دیوان، ۹۰-۷۴). بادرود، جاریان، طامه، حارث آباد، اسفیدان، اردستان، قمصر، جوینان، فین، قهرود، قزآن و جوشقان (راوندی، دیوان، ۸۰-۷۷) نام برخی از مناطقی است که راوندی حمله سلاجقه به این مناطق و تخریب آن را بیان می‌کند. آن‌چنان‌که در این قصیده آمده است غیر از خود شهر کاشان که دارای برج و بارو بوده، برخی از روستاهای اطراف کاشان مثل قهرود و قاسم‌آباد نیز دارای قلعه بوده که توسط سلاجقه ویران شده‌است.

و اباح قهرودا و خرب حصنها و اناخ کلکله بقزآن

(راوندی، دیوان، ۸۰)

و بقاسم آباد المولمه زلت لها من حصنها القدمان

(همان، ۸۴)

در ادامه همین قصیده شاعر اشاره دارد که آنچه مانع فتح کاشان توسط سلاجقه شد، دیوارهای مستحکم شهر بود که سلاجقه به دنبال راه نفوذ در آن بودند:

طافوا بها يتخافون بسورها مترصدین لفرصة الامکان

(راوندی، دیوان، ۸۵)

راوندی همچنان اشاره دارد که سلاجقه در برخی مناطق بعد از تخریب خانه‌ها، آنجا را به آتش کشیدند، که این مسئله به‌صورت ویژه در مورد راوند گزارش شده‌است:

(راوندی، دیوان، ۸۳)

راوندی در قصیده دیگری درباره مشهد اردهال به وجود قبر علی بن باقر در آن منطقه و ساخت‌وسازهایی که در این دوره، در این منطقه انجام می‌شود و همچنین آبادانی این منطقه در دوره سلاجقه اشاره دارد (راوندی، دیوان، ۱۲۷-۱۲۵). راوندی در قصاید دیگر خود به شهر کاشان، عمارت‌های داخل شهر، نهرها، مساجد، مدارس و مانند اینها اشاره دارد (راوندی، دیوان، ۱۴۹-۱۴۸، ۱۹۸-۱۹۷).

آنچه بر اهمیت دیوان ابوالرضا درباره جغرافیای کاشان در دوره سلاجقه می‌افزاید، اشاره او به روستاها یا مزارعی است که در قرن ششم وجود داشته و امروزه از آنها حتی نامی هم باقی نمانده است. حافظان که در دیوان ابوالرضا به آن اشاره شده‌است یکی از این موارد است (راوندی، دیوان، ۸۶). ظاهراً حافظان مزرعه‌ای بوده که در قرن ششم، آباد بوده و مورد هجوم سلاجقه قرار گرفته اما امروزه اثری از آن نیست اما بر اساس برخی شواهد می‌توان مکان جغرافیایی آن را در نزدیکی مسیر آران و بیدگل به کاشان مشخص کرد (رک. مشهدی نوش‌آبادی، ۱۸۷). یکی از دیگر روستاهای اطراف کاشان که در دیوان ابوالرضا به آن اشاره شده و اکنون اثری از آن نیست اما در متون جغرافیایی مورد توجه بوده و داستان‌هایی درباره آن ذکر شده‌است، روستایی به نام هراسکان است (راوندی، دیوان، ۸۴). ابونعیم اصفهانی در کتاب خود درباره این روستا می‌نویسد: پیرامون این روستا خندقی وجود دارد که گرداگرد آن را شن همچون کوه‌های روان فراگرفته است و شن‌های روان در اطراف خندق از سویی به‌سوی دیگر می‌رود ولی وارد خندق نمی‌شود و حتی اگر کسی با دست، شن داخل خندق بریزد، باد آن را خارج می‌کند (اصفهانی، ۱/ ۵۲-۵۱). داستان‌های دیگری نیز درباره این روستا در منابع مختلف ذکر شده‌است که بر اساس آنها این روستا یکی از مناطق عجیب اطراف کاشان بوده‌است (رک. مافروخی اصفهانی، ۶۲؛ اصفهانی، ۱/ ۵۲؛ ضرابی، ۴۸۶-۴۸۵). این روستا اکنون وجود خارجی ندارد اما بر اساس برخی شواهد و همین‌طور گزارش راوندی در دیوان خود می‌توان محدوده جغرافیایی آن را تا حدودی در نزدیکی آران و بیدگل مشخص کرد (رک. مشهدی نوش‌آبادی، ۱۹۳-۱۹۰).

نتیجه

تاریخ‌نگاری محلی از شاخه‌های مورد توجه در حوزه تاریخ‌نگاری است که به شیوه‌های گوناگون توسط علمای این حوزه پیگیری شده‌است. این گونه متون تاریخی با توجه به ویژگی‌های خاص خود، اطلاعات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. از میان این منابع تاریخی، برخی از آنها به صورت شعر نوشته شده که کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه تاریخ قرار گرفته‌است. دیوان ابوالرضا راوندی با توجه به محتویات و اطلاعاتی که در خود دارد نمونه‌ای برجسته از تاریخ محلی کاشان در قرن ششم محسوب می‌شود که به رغم اهمیت فراوان اطلاعات تاریخی آن، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته‌است. آنچه اهمیت این اثر تاریخی را دوچندان می‌کند این است که این اثر در دوره‌ای به رشته تحریر درآمده که یک حکومت سنی مذهب بر ایران غلبه دارد. در این دوره شهر شیعه‌نشین کاشان جایگاهی بین مورخان درباری این دوره ندارد و همین‌طور که اشاره شد مورخی مثل صاحب *راحه الصدور* که اصالتاً متعلق به راوند کاشان است چندان دیدگاه مثبتی نسبت به این شهر و ساکنانش ندارد. از این‌رو شرح ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، وضعیت عمرانی و آبادانی، وصف روستاها و مزارع، وصف مساجد و مدارس، شرح رخدادهای سیاسی و نظامی و جنگ‌ها، معرفی بزرگان سیاسی و فرهنگی و دیگر موارد مرتبط با شهر کاشان در دوره سلاجقه همه از ویژگی‌های دیوان ابوالرضا راوندی است. از این‌رو در این پژوهش، دیوان ابوالرضا راوندی به‌عنوان تاریخ محلی کاشان در قرن ششم معرفی شده‌است. برخی اشارات تاریخی این کتاب به‌ویژه به روستاها یا مزارع اطراف شهر کاشان که در هیچ منبع تاریخی دیگر مورد توجه قرار نگرفته‌است بر اهمیت و جایگاه این اثر در پژوهش‌های تاریخی می‌افزاید. به‌طور کلی می‌توان گفت دیوان ابوالرضا راوندی نوعی تاریخ‌نگاری محلی شیعی است که در قرن ششم هجری در زمانی که حکومت سنی مذهب سلاجقه در ایران حکومت می‌کنند، توسط یک عالم شیعی نگارش یافته و گوشه‌ای از تاریخ تشیع در این دوره را منعکس کرده‌است. البته در استفاده تاریخی از این اثر باید توجه داشت که هدف ابوالرضا از سرودن این دیوان، تاریخ‌نگاری نبوده‌است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، تاریخ اصبهان، تصحیح حسن سید کسروی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، مرآة البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- بنداری، فتح بن علی، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷.
- حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۲.
- رازی، منتجب الدین، الفهرست، تحقیق محدث ارموی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶.
- راوندی، ابو الرضا فضل الله بن علی، ضوء الشهاب، تحقیق حسن قاسمی، تهران، ۱۳۹۷.
- _____، دیوان، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۴.
- _____، النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
- راوندی، محمد بن علی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- رحمتی، محمدکاظم، درآمدی بر شناخت نسخه‌های نهج البلاغه، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷.
- رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، تصحیح محمد روشن، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- زینلی، بهمن، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق عبدالرمن بن یحیی معلمی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲م.



- شاه نظری، حسین، «درنگی در ضوء الشهاب و دست‌نوشته‌های آن»، فصلنامه آینه پژوهش، شماره ۱۳۶ و ۱۳۵، مرداد و آبان، ۱۳۹۱.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین، مجالس المؤمنین، تصحیح احمد عبد منافی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۷.
- صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۶.
- صحیحی، علیرضا، «اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی»، پژوهشنامه کاشان، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- ضرابی، عبدالرحیم بن محمدابراهیم، تاریخ کاشان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین، سلجوقنامه، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.
- فرشچیان، رضا، پیشگامان تشیع در ایران، همراه با رویکردی تفصیلی به رجال اشعریان، کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانات فرهنگی قم، قم، زائر، ۱۳۸۴.
- قاسم پور راوندی، محسن و محمد سلامی راوندی، «نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه»، دو فصلنامه علمی کاشان شناسی، بهار و تابستان، شماره ۲۲، ۸۰-۵۵، ۱۳۹۸.
- قرچانلو، حسین، امامزاده سلطانعلی مشهد اردهال، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، زمستان، صص ۸۲-۷۵، ۱۳۸۴.
- قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸.
- قزوینی، عبدالجلیل، نقض، تصحیح جلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.
- قمی، نجم‌الدین ابوالرجا، تاریخ الوزراء، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- _____، ذیل نقشه المصدور، تصحیح حسین مدرسی طباطبائی، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین، خریده القصر و جریده العصر، بغداد مجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۵ق.
- _____، تاریخ دوله آل سلجوق، تصحیح یحیی مراد، بیروت، دارالعلمیه، ۲۰۰۴.

- کریمی نیا، مرتضی، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی»، آئینه پژوهش، شماره ۱۸۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد آوی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۸۵.
- مرعشی نجفی، جمال‌الدین ابوالمعالی شهاب‌الدین، لمعه النور و الضیاء فی ترجمه السید ابی‌الرضا، به اهتمام فخرالدین نصیری امینی، چاپخانه حیدری، بی‌جا، بی‌تا.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، «معمای قریه هراسکان و ملاحظاتی درباره چند نام جغرافیایی در قصیده نونیه راوندی»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۴ و ۴۵، بهار و تابستان، ۱۳۸۵.
- مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
- مهریار، محمد، فرهنگ جامع نامها و آبادیهای کهن اصفهان، اصفهان، فرهنگ مردم، ۱۳۸۲.
- نجاشی، ابو‌العبّاس احمد بن علی، رجال، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸ق.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.